

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**نافرمانان
در پوشش یاران**

۴ اردیبهشت ۱۳۸۷

۱۶ ربیع الثانی ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴾^(۱) .

کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می رود می بریم و به دوزخ داخل می کنیم، و سرانجام بدی است.

مُهَنِّينَ صَحَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

تاکنون از حدود دوازده آیه‌ای که اهل سنت برای اثبات ادعای خود مبنی بر عدالت تمامی صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آن استناد می‌کنند، هفت آیه را مورد بررسی و دقت قرار دادیم و به این نتیجه روشن و یقینی دست یافتیم که هیچ یک از آیات هفتگانه نه تنها عدالت تمامی صحابه را ثابت نمی‌کند، بلکه دید و نگرش

۱- سورة نساء، آیه ۱۱۵ .

جدیدی، نسبت به همراهان رسول الله ﷺ برای ما ایجاد می‌کند. مهمترین ثمره تأمل در این آیات این است که به ما می‌آموزد همه صحابه را در یک قالب و تحت یک حکم قرار ندهیم.

هشتمین آیه‌ای که علمای اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه به آن استناد می‌کنند، آیه ۱۱۵ از سوره مبارکه نساء است. در این آیه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ .

کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر ﷺ مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم و به دوزخ داخل می‌کنیم، و سرانجام بدی است.

بر اساس این آیه شریفه خداوند متعال وعده قطعی داده است که جهنم و عقاب دردناک الهی شامل کسانی گردد که از مسیر رسول الله ﷺ و مسیر مؤمنین تخلف نمایند و از راه آنان منحرف گردند. نظریه پردازان اهل سنت با استناد به آیه مدعی‌اند که، قدم نهادن در مسیر غیر مؤمنین به جهنم و عذاب منتهی می‌گردد، از این رو راه و مسیر مؤمنین، راهی درست و صحیح می‌باشد، سپس برای تکمیل استدلال خود بیان می‌کنند که منظور از مؤمنین، صحابه رسول الله ﷺ می‌باشند.

در یک جمله می‌توان گفت که خلاصه استدلال علمای اهل سنت بدین

قرار است: خداوند متعال هرگز وعده عقاب برای تخلف از مسیر فاسقان و کافران نمی‌دهد، بلکه وعده عقاب برای سرپیچی و انحراف از مسیر رسول الله ﷺ و مؤمنین می‌باشد و مؤمنین کسانی نیستند جز صحابه پیامبر اسلام ﷺ. در نتیجه پیروی و متابعت از پیامبر ﷺ و صحابه به سعادت و جنت منتهی می‌گردد و پیروی از دیگران به شقاوت و جهنم.

انحراف از مسیر پیامبر ﷺ و مؤمنین؛

اکنون که از استدلال اهل سنت آگاه شدیم جا دارد که با نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر آیه شریفه را مورد بررسی قرار دهیم تا به ابعاد مختلف و چگونگی استدلال اهل سنت آگاهی بیشتری پیدا کنیم. برای بررسی صحت و سقم استدلال فوق نخست واژه «انشقاق» را تعریف می‌کنیم؛ انشقاق در لغت به معنای دو پاره و دو تا شدن امری است^(۱). بنابر این شق القمر که یکی از معجزات پیامبر ﷺ می‌باشد، به معنای دو پاره شدن ماه است^(۲).

سوره مبارکه انشقاق نیز به معنای، دو پاره و شکافته شدن است. بنابر این آیه مورد استناد، مضمونی دارد که در آیات فراوان دیگری به آن تصریح شده است. خداوند متعال در این آیه جهنم را سزای دو گروه معرفی می‌کند؛

۱- کسانی که راهشان از پیامبر ﷺ جدا گردد؛ یعنی مسیرشان با رسول الله ﷺ دو تا شود.

۱- مفردات الفاظ القرآن، صفحه ۲۷۱.

۲- بحار الانوار، جلد ۱۷ صفحه ۳۵۲.

۲- کسانی که مسیری غیر از مسیر مؤمنین بپیمایند.

به عبارت دیگر کسانی که در گذشته در مسیر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنین حرکت می‌کردند، اما پس از مدتی مسیر خود را از آنان جدا کنند، سرانجامی جز جهنم ندارند. همچنین مفهوم دیگری که از این آیه شریفه به دست می‌آید این است که کسانی در آغاز اسلام، همراه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنین بودند، اما سپس مسیر خود را جدا کردند.

بسیاری از مفسرین اهل سنت و شیعه بر این نظرند که آیه فوق ناظر به مرتدین و منحرفین می‌باشد که نخست اسلام آوردند و به مرور زمان از آن برگشتند و منحرف شدند^(۱). اهل سنت بر این نظرند که پیروی از مسیر مؤمنین؛ یعنی پیروی از صحابه - که از نظر آنان همگی مؤمن هستند - و تبعیت از آنان واجب است.

گروه‌بندی صحابه؛

پرش مهم ما از نظریه پردازان عدالت صحابه این است که طریق ایشان در اثبات این نظریه چیست؟ با استناد به کدام آیه و یا روایت معتبری نظر خود را مستدل و مبرهن می‌کنند؟

در مباحث گذشته با استناد به آیات قرآن کریم، همراهان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱- التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳ صفحه ۳۲۸، منابع اهل سنت تفسیر فخر رازی، جلد ۱۱ صفحه ۴۳.

را به سه گروه کلی تقسیم نمودیم^(۱)، که عبارتند از: ۱ - مؤمنین؛ ۲ - منافقین؛ ۳ - بیمار دلان.

آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که با صراحت بیان می‌کند که همه همراهان پیامبر ﷺ مؤمن نبودند و ایمانی راستین و راسخ نداشتند. به عنوان نمونه در سوره مبارکه بقره آمده است:

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ﴾^(۲).

و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم، ولی هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما ایم، ما فقط آنها را مسخره می‌کنیم.

در این آیه خداوند سبحان زبان حال منافقین را بیان می‌کند. آنان هنگام روبرو شدن با مسلمانان اظهار اسلام می‌کردند و هنگامی که با کفار روبرو می‌شدند، می‌گفتند ما با شما هستیم و مسلمانان را مسخره می‌کنیم و به دروغ نزد مسلمانان اظهار اسلام کرده‌ایم.

اطاعت، شرط ایمان؛

پیش از این به این مطلب اشاره کردیم که ایمان، تنها با اظهار و بیان

۱- برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۲۹ صفحات ۱۸-۱۴ رجوع کنید.

۲- سوره بقره، آیه ۱۴.

شهادتین محقق نمی‌شود، بلکه شرایط و ویژگی‌هایی دارد. که با مراجعه به آموزه‌های دینی، اعم از آیات و روایات، می‌توانیم صراحت بزرگان دین را در خصوص شرایط و ویژگی‌های مؤمنین راستین به وضوح ببینیم.

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که با تأمل در آنها می‌توانیم به مشخصات و ویژگی‌های مؤمنین راستین پی ببریم. در این باره در قرآن کریم آمده است،

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^(۱).

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند، و سپس از داوری تو، در دل احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

در این آیه خداوند متعال پس از سوگند به خود می‌فرماید: کسانی که ادعای ایمان و مسلمانی دارند، مسلمان نیستند مگر آنکه در موارد اختلاف، حکم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با میل و رغبت بپذیرند و از این بابت در دل هم هیچ احساس سختی و کدورتی نکنند. مسلمان واقعی کسی است که در برابر حکم و فرمان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تسلیم محض باشد. طبق آیه فوق معیار و میزان ایمان راستین و راسخ اطاعت محض از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تبعیت و فرمانبرداری از ایشان می‌باشد. مسلمان واقعی کسی است که راه پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیپیماید، جز سخن ایشان را

۱- سوره نساء، آیه ۶۵.

نگوید و به چیزی که ایشان معتقد است اعتقاد داشته باشد.

حال که معیار و میزان مؤمن واقعی شناخته شد، دانستیم که اگر کسی راهی به جز راه پیامبر ﷺ را طی کند، حکمی بر خلاف حکم رسول الله ﷺ صادر کند و سخنی بر خلاف فرمایش ایشان به زبان جاری سازد، دارای ایمان و صفت عدالت نخواهد بود. اکنون که با اتکا به آیات نورانی قرآن مجید کلیت مدّعی ما - که عدم ایمان سرپیچی کنندگان از فرامین رسول الله ﷺ است - ثابت شد، بسیار مناسب است که با مراجعه به تاریخ، مصادیق رویگردانی از پیامبر ﷺ را نیز بیابیم. روشن شدن مصادیق و افراد رویگردان معلوم می‌سازد که آیا آنچه مالک بن انس با استناد به آن شیعیان را تکفیر می‌کند صحیح است^(۱) یا آنچه که شیعیان - با توجه به مستندات تاریخی که عمدتاً از اهل سنت نقل شده است - به آن معتقدند؟ بر اساس باور مستدل شیعه خیل عظیم سرشناسان عرب که به دلایل مختلف با پیامبر ﷺ همراه شدند اما در مقاطع مختلف و به هر بهانه‌ای با پیامبر ﷺ و مؤمنان راستین مخالفت می‌کردند، و در نتیجه از دایره دین خارج شدند بر کرسی اثبات می‌نشینند.

سرپیچی عمر از دستور پیامبر ﷺ؛

مخاطب سخنان ما در درجه اول علمای اهل سنت و سپس کسانی هستند که پیرو استدلال و برهان می‌باشند^(۲). این افراد اگر به کتب معتبر تاریخی

۱- استدلال کامل مالک بن انس در جزوه شماره ۴۷ آورده شده است.

۲- امروزه متأسفانه نظریه پردازانی پیدا شده‌اند که به دنبال قدرت‌اند و پیروانی را می‌پسندند

مراجعه کنند، به یقین در خواهند یافت که در میان صحابه افرادی بودند که با فرامین صریح رسول الله ﷺ مخالفت می‌کردند.

داستان بیماری منجر به درگذشت رسول الله ﷺ را فراموش نکرده‌ایم. در کتب معتبر اهل سنت در رابطه با آن واقعه آمده است:

« قال رسول الله ﷺ : إئتوني بدواة وصحيفة اكتب لكم كتاباً لا تضلون بعدي ؛

پیامبر ﷺ فرمودند: جوهر و کاغذی برایم بیاورید می‌خواهم برای شما مطلبی را بنویسم که پس از من هرگز گمراه نگردید.

فقال عمر كلمة معناها أن الوجد قد غلب على رسول الله ﷺ «^(۱).

عمر پس از فرمایش رسول الله ﷺ جمله‌ای گفت، سخن وی این معنا را می‌رساند که بیماری بر رسول الله ﷺ غلبه نموده است.

سخن عمر آنقدر بی‌شرمانه و جسارت‌آمیز بود که اغلب محدثین حتی بزرگان اهل سنت هم از ذکر آن ابا دارند و فقط به ذکر معنای سخن وی بسنده می‌کنند.

→ و می‌جویند که برهان و دلیل نخواهند. آنها مخاطبان چشم و گوش بسته را بیشتر دوست می‌دارند. در این سلسله مباحث با استدلال و برهان تمام نظراتمان را مستدل نمودیم و با استنادات علمی، منطقی و برهانی از قرآن کریم و کتب روایی اهل سنت به بیان عقاید خود پرداختیم و آمادگی داریم همین کرسی را به کسانی تحویل دهیم که با برهان و استدلال به رد و نقض سخنانمان پردازد. اما متأسفانه آنچه که تا کنون از اهل سنت در کتب و فیلم پیامهای تلفنی و تصویری یافته‌ایم جز فحش، ناسزا و احساسات نبوده است.

۱- صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۳۷، مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۳۳۶ و صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۷۵.

اما بسیاری دیگر از نویسندگان از سخن بی شرمانهٔ عمر در آن جمع پرده برداشته و می‌نویسند: خلیفهٔ دوم به حاضرین گفت:

«إِنَّ الرَّجُلَ لِيَهْجُرَ»^(۱).

این مرد [رسول الله ﷺ] هذیان می‌گوید.

رسول الله ﷺ در کلام الله؛

اتهام هذیان‌گویی عمر به پیامبر ﷺ غیر قابل انکار است. حال ببینیم خداوند متعال چگونه شخصیت پیامبر ﷺ را توصیف و تعریف نموده است و آیا اساساً این حالت بر کسی که حامل پیام الهی است و به همین دلیل باید معصوم باشد دست می‌دهد؟ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ *
إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَهُوَ
بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ﴾^(۲).

سوگند به ستاره هنگامی که افول می‌کند * که هرگز دوست شما [رسول الله ﷺ] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است * و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید * آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست * آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم

۱- از منابع اهل سنت بنگرید به الطبقات الكبرى، جلد ۲ صفحه ۲۴۲ و فتح الباری، جلد ۸ صفحه ۱۰۱.

۲- سورهٔ نجم، آیات ۷-۱.

داده است * همان کس که توانایی فرق العاده دارد او سلطه یافت * در حالی که در افاق اعلی قرار داشت .

خداوند متعال با صراحت بیان می‌کند که پیامبر ﷺ خلاف نمی‌گوید و گمراه نمی‌شود. حال اگر کسی مدعی هذیان‌گویی پیامبر ﷺ شود، آیا سخنی خلاف قرآن کریم بیان نکرده است؟ آیا می‌توان قائل به عدالت کسی شد که حکمی بر خلاف قرآن صادر می‌کند؟ هر چه پیامبر ﷺ می‌گوید وحی است و از هوا و هوس سخن نمی‌گوید او در بارگاه الهی آموزش یافته است، چگونه می‌توان جرأت کرد و نسبتی که لایق گوینده است را به رسول الله ﷺ نسبت داد؟

رفتار نا همگون صحابه؛

خداوند سبحان غرض نهایی از نزول قرآن کریم را قضاوت و داوری بین مردم بیان می‌کند و می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ﴾^(۱).

ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی.

آیا کسی که مانع شد پیامبر ﷺ در بستر بیماری سخن نهایی را مکتوب کنند، را می‌توان جز مؤمنین به شمار آورد؟ مگر نه آن است که مؤمن واقعی در برابر حکم خدا و رسول خدا ﷺ اعتراض نمی‌کند و تسلیم محض می‌باشد؟

۱-سوره نساء، آیه ۱۰۵.

همان افرادی که به بهانه‌ای واهی مانع نگاشتن وصیت رسول الله ﷺ شدند، در مرضی که منجر به مرگ خلیفه اول شد و هنگامی که ابو بکر بی هوش شد وصیت او را کامل کردند. در کتب اهل سنت در این زمینه آمده است:

« فاعمی علی ابی بکر فأخذ عثمان العهد فكتب فيه اسم عمر فأفاق أبی بکر فقال: أرنا العهد فإذا فيه اسم عمر فقال: من كتب هذا؟ قال: [عثمان] أنا، فقال: رحمك الله»^(۱).

ابو بکر بی هوش شد، عثمان وصیت نامه ابو بکر را گرفت و اسم عمر را در آن نوشت. هنگامی که ابو بکر به هوش آمد وصیت نامه خود را دید که اسم عمر در آن نوشته شده است، پرسید چه کسی نام او را نوشت؟ عثمان پاسخ داد: من، ابو بکر نیز برای عثمان طلب رحمت نمود.

عجب از کسانی است که در آن هنگام که پیامبر ﷺ می‌خواهند برای هدایت و جلوگیری از گمراهی مسلمانان مطلبی بگویند با اتهام بی اساس و قیحانه غلبه بیماری بر پیامبر ﷺ از این کار ممانعت می‌کنند اما همان افراد احتمال هذیان گویی ابو بکر را نمی‌دهند و پیشاپیش حتی بدون هماهنگی با ابوبکر نام عمر را در وصیت نامه اضافه می‌کنند. چگونه پیامبر ﷺ که از عصمت برخوردار است هذیان می‌گوید اما فرد عادی چون ابو بکر هذیان نمی‌گوید؟

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۱۶۳، کنز العمال، جلد ۵ صفحه ۶۸۰ و تاریخ مدینه دمشق، جلد ۳۹ صفحه ۱۵۸.

در مورد خلیفهٔ دوم نیز واقعهٔ فوق تکرار می‌شود. عمر پس از جراحت و شکافته شدن شکمش، در بستر بیماری و آستانهٔ مرگ، نام شش نفر را برای ایجاد شوری پس از مرگ خود می‌نویسد^(۱). چگونه عمر حق دارد در مرض الموت نام شش نفر را بنویسد و هذیان نمی‌گوید اما پیامبر ﷺ در بستر بیماری هذیان می‌گویند و حق ندارند نام یک نفر را بنویسند؟ اگر پیامبر ﷺ با دارا بودن مقام عصمت هذیان می‌گویند، ابو بکر و عمر نیز به طریق اولی هذیان می‌گویند و مسلمانان نباید به وصیت آن دو عمل کنند.

اگر رسول الله ﷺ حق ندارند برای پس از خود خلیفه و جانشینی انتخاب نمایند، به طریق اولی ابو بکر و عمر نیز از چنین حقی برخوردار نخواهند بود.

ممانعت برخی از حاضرین از نوشتن وصیت رسول الله ﷺ، ایستادگی در برابر حکم قطعی خداوند و رسول الله ﷺ است و نمونهٔ گویای انشقاق از مسیر رسول الله ﷺ است؛ زیرا پیامبر ﷺ می‌خواستند کاری انجام دهند، و آنان هم مانع شدند و هم راه دیگری غیر از راه پیامبر ﷺ را طی کردند و طبق نص صریح قرآن کریم، کسانی که راهی غیر از راه رسول الله ﷺ را بیمایند، گرفتار عذاب دردناک الهی خواهند شد.

در یک کلام کسانی که در عصر حضور پیامبر ﷺ مسیر خود را از مسیر

۱- بحار الانوار، جلد ۳۱ صفحه ۳۶۶ و از منابع اهل سنت بنگرید به الاستیعاب، جلد ۳ صفحه ۱۰۹۸ والوافی بالوفیات، جلد ۲۱ صفحه ۱۷۸.

رسول الله ﷺ جدا کردند، شایسته هر لعن و نفرینی هستند، نه سزوار ملقب شدن به صفت عدالت.

اطاعت رمز سعادت؛

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که خداوند متعال برای مؤمنین واقعی بر می‌شمارد، عدم انتخاب و اختیار حکمی به جز حکم خدا و رسول الله ﷺ است، در این زمینه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾^(۱).

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند اختیاری در برابر فرمان خدا داشته باشد، و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

در آیه‌ای دیگر آمده است:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^(۲).

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند.

۱- سوره احزاب، آیه ۳۶.

۲- سوره نور، آیه ۵۲.

از کنار هم قرار دادن دو آیه فوق به این نتیجه مهم دست می‌یابیم که اطاعت از رسول الله ﷺ اطاعت از خداوند است، و معصیت و سرپیچی از دستورات رسول الله ﷺ سرپیچی از دستورات خداوند است و کلید سعادت، اطاعت است و رمز شقاوت، عصیان و نافرمانی می‌باشد.

تخلّقاتی دیگر از صحابه؛

داستان تمرد و نافرمانی کسانی که از روی تسامح به آنان صحابه می‌گوییم به همین جا ختم نمی‌شود. در کتب تاریخی و روایی معتبر اهل سنت، تخلّفات فراوانی برای صحابه ذکر شده است. یک نمونه از این نافرمانی‌ها سرپیچی از سپاه اسامه است که پیامبر ﷺ آنها را مورد لعن و نفرین قرار داده است^(۱). همچنین در ماجرای صلح حدیبیه^(۲)، پیامبر ﷺ به سپاهیان خود دستور دادند که سرشان را بتراشند و از احرام خارج شوند، اما گروهی به سرکردگی عمر از دستور پیامبر ﷺ سرپیچی کردند و پس از گفتگوهای فراوان مجبور به اطاعت شدند^(۳).

از مجموع مطالبی که تا کنون بیان نمودیم روشن شد که تمام صحابه از راه پیامبر ﷺ پیروی نمی‌کردند و در نتیجه همه آنان مؤمن واقعی نبودند.

۱- از منابع اهل سنت بنگرید به شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۵۲.
 ۲- برای اطلاع بیشتر از این واقعه به جزوه شماره ۳۲ صفحه ۷ و جزوه شماره ۳۴ صفحه ۱۲ رجوع کنید.
 ۳- البدایة والنهایة، جلد ۴ صفحه ۱۹۱ و تاریخ طبری، جلد ۲ صفحه ۲۷۸.

اکنون می‌خواهیم این مطلب را ثابت کنیم که برخی از صحابه و همراهان رسول الله ﷺ علاوه بر اینکه در مسیر پیامبر ﷺ حرکت نمی‌کردند، راهشان را از مسیر مؤمنین واقعی جدا کردند و دنباله‌رو آنان نیز نبودند. به عنوان نمونه در جنگ بدر که نخستین جنگ مسلمانان و در سالهای آغازین هجرت به مدینه بود، منافقان و بیماردلان، مسلمانان واقعی را متهم به فریبکاری کردند، در این باره در قرآن کریم آمده است:

﴿إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^(۱).

و هنگامی را که منافقان و آنها که در دلهایشان بیماری است می‌گفتند: این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است. آنها نمی‌دانستند که هر کس بر خدا توکل کند، پیروز می‌گردد، خداوند قدرتمند و حکیم است.

از این آیه که مربوط به سالهای آغازین هجرت است نیز به خوبی روشن می‌گردد، که مسلمانان صدر اسلام سه گروه بودند؛ ۱ - مسلمانان راستین؛ ۲ - منافقین؛ ۳ - بیماردلان.

علاوه بر جنگ بدر، در جنگ احد نیز همه صحابه، از مؤمنین پیروی نکردند و به روشهای مختلف سرپیچی کردند. خداوند سبحان درباره صفوف مسلمانان در جنگ احد می‌فرماید:

۱- سورة انفال، آیه ۴۹.

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (۱).

سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش به صورت خواب سبکی بود که گروهی از شما را فراگرفت، اما گروه دیگری در فکر جان خویش بودند، آنها گمانهای نادرستی همچون گمانهای دوران جاهلیت درباره خدا داشتند و می گفتند: آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می شود؟

بنابر این در میان مسلمانان هم مؤمنین بودند که آرامش و سکون پیدا کردند و هم دنیا طلبانی که به فکر جان و مال خود بودند، و راهی به غیر از راه مؤمنین را طی می کردند. در همان جنگ احد پس از سرپیچی و بی توجهی گروهی از مسلمانان که منجر به شکست مسلمانان شد، وحشت عظیمی بر سپاهیان اسلام حاکم شد و هنگامی که مشرکان شایع کردند که رسول الله ﷺ در میدان جنگ، جان باخته اند عده ای که به ظاهر مسلمان بودند در همان میدان جنگ به مسلمانان پشت کردند. در قرآن کریم در رابطه این افراد آمده است:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (۲).

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

محمد ﷺ فرستاده خداست، و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟! (اسلام را رها به دوران جاهلیت و کفر بازمی‌گردید) و هر کس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند و خداوند به زودی شاگردان را پاداش خواهد داد.

خلاصه اینکه گروهی در زمان حیات رسول الله ﷺ و برخی دیگر پس از رحلت ایشان چهره واقعی خود را نشان دادند و راهی به جز راه پیامبر ﷺ و مؤمنین را طی کردند.

همانطور که در جلسات گذشته بیان نمودیم منافقان پس از هجرت به مدینه به وجود آمدند، اما بیماردلان از همان روزهای آغازین بعثت، در کنار رسول الله ﷺ مشغول به توطئه و کار شکنی بودند و تا آخرین لحظات نیز چهره خود را پنهان کردند^(۱).

از مجموع آیات و حوادث تاریخی که بیان شد، استفاده می‌شود که همه صحابه در راه پیامبر ﷺ و مؤمنین قدم ننهادند؛ لذا نمی‌توانیم همه صحابه را مؤمن و پیروی از آنان را واجب بدانیم. تنها گروه اندکی از صحابه موفق به پیروی از رسول الله ﷺ و مؤمنین شدند.

جایگاه صحابه در نزد اهل سنت؛

علمای بزرگوار اهل سنت^(۲) عدالت را به معنای وسیع آن برای صحابه

۱- برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به جزوه شماره ۲۹ صفحه ۱۷.

۲- تلاشمان بر این است که در مباحث اعتقادی با اهل سنت جانب ادب و احترام طرف مقابل را مراعات نماییم.

ثابت می‌کنند و بر این نظرند که جایز نیست در روایات صحابه شک شود، و هیچ کس حق ندارد نسبت به آنان سوء ظن داشته باشد و نباید نسبت به آنان زبان به بدگویی گشود. اگر کسی حدود فوق را رعایت نکند، و گمان بد، زبان تند و شک نسبت به آنان داشته باشد، از دایره ایمان خارج و کافر می‌گردد.

پرسشی از علمای اهل سنت داریم؛ شما که نسبت به صحابه چنین احترام و اعتقادی قائل هستید، چرا برای پیامبر ﷺ چنین احترام و حرمتی قائل نیستید^(۱)؟

می‌گویید بد زبانی و سوء ظن نسبت به صحابه مساوق کفر است، اما اگر کسی عصمت رسول الله ﷺ را انکار کند و ارتکاب به خطا و اشتباه را در مورد ایشان جایز بداند کافر نیست!!

چرا به همان مقدار که مقام صحابه را بالا می‌برید، پیامبر ﷺ را از مقام واقعیشان پایین می‌آورید؟ چرا و به چه علت اجتهاد صحابه در حضور و غیبت رسول الله ﷺ را جایز می‌دانید؟

علمای اهل سنت در رابطه با اجتهاد صحابه بر این باورند که اگر عده‌ای از مسلمانان در مورد مسأله‌ای به نتیجه و حکمی بر خلاف حکم رسول الله ﷺ دست یابند اشکالی ندارد و پیروی از آنان جایز است^(۲)؟

۱- ناگفته روشن است که اهل سنت برای تمام صحابه چنین احترامی نمی‌گذارند و منظور آنان از صحابه گروه محدودی می‌باشند، اما برای اینکه بتواند حرمت همان چند نفر را حفظ کنند مجبور به کلی‌گویی شده‌اند، در حقیقت آنان فقط نسبت به چند نفر خاص تعصب دارند.

۲- برای آگاهی بیشتر و اطلاع از اجتهادات برخی از صحابه در برابر قرآن کریم و نظر صریح

به چه علت بین پیامبر ﷺ و سایر مسلمانان در جواز اجتهاد در احکام الهی هیچ تفاوتی قائل نیستید؟ بی صبرانه منتظر شنیدن پاسخهای مستدل و میرهن اهل سنت به پرسشهای مطرح شده فوق هستیم.

خدا و رسول الله ﷺ داور نهایی؛

در رابطه با نظرات اهل سنت و پرسشهای طرح شده، مناسب است اندکی در قرآن کریم تأمل نماییم. قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که اطاعت تنها از آن خدا و رسول الله ﷺ است و مرجع نهایی در حل اختلافات و تنازعات فقط آنان هستند. بنابر این اجتهاد در مقابل نص صریح رسول الله ﷺ سخنی یاه و گراف است. در این باره در قرآن کریم آمده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر ﷺ] را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر ﷺ بازگردانید و از آنها داوری بطلبید اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار برای شما بهتر است، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

→ رسول الله ﷺ به کتاب النص و الاجتهاد مرحوم شرف الدین مراجعه شود.
۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

و در آیه‌ای دیگر آمده است؛

﴿لَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾^(۱).

آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه از کتابهای آسمانی که بر تو و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟ با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه‌های دور دستی بيفکند.

بر اساس منطق قرآن کریم، کسانی که از حکم خدا و رسول الله ﷺ سرپیچی کنند طاغوت^(۲) هستند لذا وظیفه مؤمنین واقعی این است که در موارد اختلاف به خدا و پیامبر ﷺ رجوع کنند و پذیرش هر حکمی به جز حکم آنان پیروی از طاغوت است. در یک کلام حاکم نهایی در احکام الهی، قرآن کریم و یا نص رسول الله ﷺ می‌باشد.

مبنای اجتهاد علما مسائل ظنی می‌باشد؛ در نتیجه حاصل اجتهاد نیز امری پیش از ظن و گمان نمی‌باشد. حال چگونه اهل سنت اجتهاد ظنی را در مقام کلام صریح وحی یعنی سخن رسول الله ﷺ که قطعی و یقینی است قرار می‌دهند؟!

۱- سوره نساء، آیه ۶۰.

۲- طاغوت تنها به معنای حکومت همراه با جبر و تهدید نمی‌باشد.

درخواست حکم از غیر از خدا و پیامبر ﷺ حکم خواستن از طاغوت است و نتیجه‌ای جز گمراهی، ضلالت و ظلم به نفس در پی ندارد.

بعثت رسول خاتم ﷺ برای اطاعت مردم از دستورات ایشان است، حال اگر کسی از پیامبر ﷺ پیروی نکند و به اجتهاد خود عمل کند می‌تواند مؤمن و یا عادل باشد؟!

در آیه‌ای دیگر تصریح شده است که ایمان راستین مشروط به پذیرش و تسلیم بدون چون و چرا در برابر حکم رسول الله ﷺ می‌باشد.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^(۱).

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند، و پس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

در آیه‌ای دیگر آمده است:

﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^(۲).

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده خود داری نمایید و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است.

۱- سوره نساء، آیه ۶۵.

۲- سوره حشر، آیه ۷.

و در آیه‌ای دیگر نیز آمده است:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۱).

بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید، تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزندهٔ مهربان است.

اهل سنت آیات فوق را چگونه تفسیر می‌کنند تا با مبانی اعتقادی آنان در تعارض نباشد؟ در تمام آیات فوق تصریح شده است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای مقام رسالت و امامت هستید و فرمانروای مطلق و حاکم نهایی ایشان می‌باشند. آیا صحابه‌ای که در صدر اسلام در برابر حکم صریح خداوند متعال مقاومت کردند و از هیچ امری برای تخلف، فروگذار نکردند و راه را به گونه‌ای منحرف کردند که امروز شاهد هستیم. می‌توانند در زمرهٔ عدول قرار گیرند؟!

در مقابل گفتار صریح رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمَّ اَجْمَاعٍ^(۲) بلند کردن و ساز مخالف نواختن به چه معنا می‌باشد؟ نظرات اهل سنت در رابطه با عدالت صحابه، هیچ تکیه‌گاهی از قرآن و حدیث ندارد؛ بلکه صریح قرآن و روایات معتبر بر خلاف نظرات آنان می‌باشد.

۱- سورهٔ آل عمران، آیه ۳۱.

۲- شیخ انصاری رحمته الله علیه در مورد نظر اهل سنت در رابطه با اجماع می‌گوید: هم الأصل له وهو الاصل لهم (فرائد الأصول، جلد ۱ صفحه ۱۸۴) اساس اجماع از اهل سنت است و اساس و بنای اهل سنت بر اجماع استوار است.

اهل سنت و تحریف روایات؛

اهل سنت گاهی مجبور می‌شوند برای اثبات عقایدشان در احادیث متواتر که اهل سنت و شیعه بر ثبت و ضبط آن اتفاق دارند، تحریف ایجاد کنند. به عنوان نمونه در روایتی معتبر و متواتر آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي ولن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض»^(۱).

من در میان شما دو امر گرانبها به جا می‌گذارم؛ کتاب خداوند و اهل بیت و این دو از هم جدا نمی‌شوند و در حوض کوشر بر من وارد می‌شوند.

روایت فوق را تحریف کرده‌اند و به جای کلمه «عترتی»، «سنتی» آورده‌اند^(۲). تمام محدثین روایت نخست را صحیح می‌دانند و روایت دوم را روایتی ضعیف می‌دانند و تمام رجال سند روایت دوم را تضعیف کرده‌اند^(۳).

حال بنا را بر این بگذاریم که یکی از آن دو امر گرانبها سنت

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد ۱ صفحه ۶۸، بحار الانوار، جلد ۵ صفحه ۲۱، از منابع اهل سنت بنگرید به: صحیح مسلم، جلد ۷ صفحه ۱۲۳، مسند احمد، جلد ۳ صفحه ۱۷، مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۴۸، کنز العمال، جلد ۱ صفحه ۱۸۶ و تفسیر ابن کثیر، جلد ۴ صفحه ۱۲۲.

۲- السنن الکبری، جلد ۱۰ صفحه ۱۱۴.

۳- برای اطلاع بیشتر به کتاب خلاصه عیقات الانوار، جلد ۱ رجوع شود.

رسول الله ﷺ است و پیروی از آن موجب عدم گمراهی می‌گردد. از اهل سنت می‌پرسیم، سنت پیامبر ﷺ چه بود و آیا شما به آن عمل می‌کنید؟

یکی از سنت‌های پیامبر ﷺ این بود که اگر برای چند روزی می‌خواستند به مکانی بروند و از مدینه خارج شوند کسی را به عنوان جانشین به جای خود انتخاب می‌کردند. چگونه است که ایشان برای مفارقت همیشگی از دنیای فانی کسی را انتخاب نکردند؟

خدمت دوستان و جوانان عزیز بیان می‌کنم که استفاده و استقبال از اینگونه مجالس حقّ شما است. آنچه می‌گوییم مستند به آیات و روایات معتبر است. انشاء الله بتوانیم جامعهٔ مسلمانانها و به خصوص جامعهٔ تشیّع را در همهٔ شئون اعتقادی، اخلاقی و سیاسی مستند، مستدل و برهانی به سمت و سوی سعادت رهنمون باشیم.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی؛

① اهل سنت چگونه با استناد به آیه ۱۱۵ سوره نساء عدالت صحابه را ثابت می‌کنند؟

② کلمه «انشقاق» دارای چه معنایی است؟

③ در صدر اسلام صحابه به چند گروه تقسیم می‌شدند؟

④ برای مؤمنین راستین در قرآن کریم چه ویژگی‌هایی ذکر شده است؟

⑤ پیامبر ﷺ در بستر بیماری چه خواستند و عمر چه واکنشی نشان داد؟

⑥ در پایان زندگی ابوبکر چگونه وصیت او نگاشته شد؟

⑦ رفتار متناقض اهل سنت در مورد وصیت پیامبر ﷺ و وصیت ابوبکر و عمر چگونه است؟

⑧ رسول الله ﷺ در قرآن کریم چگونه توصیف شده است؟

⑨ چند مورد از تخلفات صحابه را توضیح دهید.

⑩ اهل سنت برای صحابه چه مقام و منزلتی در نظر گرفته‌اند؟

⑪ با آیاتی از قرآن کریم ثابت کنید داور نهایی خدا و رسول خدا ﷺ می‌باشند.

⑫ اهل سنت در حدیث ثقلین چه تحریفی کردند و پاسخ آنان چیست؟

عجب از کسانی است که در آن هنگام که پیامبر ﷺ می‌خواهند برای هدایت و جلوگیری از گمراهی مسلمانان مطلبی بگویند با اتهام بی‌اساس و وقیحانه غلبه بیماری بر پیامبر ﷺ از این کار ممانعت می‌کنند اما همان افراد احتمال هذیان گویی ابوبکر را نمی‌دهند و پیشاپیش حتی بدون هماهنگی با ابوبکر نام عمر را در وصیت نامه اضافه می‌کنند. چگونه پیامبر ﷺ که از عصمت برخوردار است هذیان می‌گوید اما فرد عادی چون ابوبکر هذیان نمی‌گوید؟

(صفحه ۱۳ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ شماره: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۴۸

۶